

Research Paper



Relationship Between Parenting Calling in Childrearing and Psychological Well-being, Self-Efficacy of Children with Mediating Psychological Well-being, Parental Efficacy, of Women Teachers in Jalal Abad Afghanistan



Hakim Khan Haqyar¹, Abdolzahra Naami^{*2}, Yadollah Zargar³,
Kiomarse Beshlideh², Seyyed Esmaeil Hashemi⁴

1. Ph.D student of Psycholog, Departement of Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.
2. Professor, Departement of Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.
3. Assosiat Professor, Departement of Conselline, Hazrat Masomeh University of Qom, Qom, Iran.
4. Professor, Departement of Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.



DOI: 10.22034/JMPR.2022.15307

DOR: [20.1001.1.27173852.1401.17.67.16.8](https://doi.org/10.22034/JMPR.2022.15307)

URL: https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article_15307.html



ARTICLE INFO

Keywords:
parenting calling,
psychological well-being
and self-efficacy

Received: 2022/03/03
Accepted: 2022/03/30
Available: 2022/12/21

ABSTRACT

The mother is the first person with whom the child has a relationship, so she has the most important role in child rearing. This study aimed to design and test a model of casual Relationship between calling-childrearing and psychological well-being, self-efficacy of children with mediating psychological well-being, parental efficacy, of women teachers in Jalal Abad Afghanistan. The study participants included 250 female teachers and 250 of their children aged 16 years living in Jalalabad, Afghanistan who were selected by random sampling. Female participants completed the subjective sense of calling Questionnaire (Coulson et al., 2012), the Psychological Well-Being Questionnaire (Reef, 1989), and the Parental Self-Efficacy Questionnaire (Dumka et al., 1996). Children completed the Psychological Well-being Questionnaire (Reef, 1989) and general Self-Efficacy Questionnaire (Scherer et al., 1982). In order to evaluate the proposed model, structural equation modeling and for testing of the mediators effects the bootstrap method of Amos software was used. The research findings showed that the designed model had a relatively good model fit. In addition, the research findings showed that all direct paths of parenting calling to mother psychological well-being ($\beta=0/81$), parental self-efficacy ($\beta=0/71$), children's psychological well-being ($\beta=0/68$) and children's self-efficacy ($\beta=0/47$) were positive and significant ($p<0/001$). Also, the parenting calling indirectly and through women's psychological well-being and parental self-efficacy had a positive and significant effect on children's psychological well-being and self-efficacy. It is suggested that in order to increase the psychological well-being and self-efficacy of children, women should become more familiar with their parenting calling.



* Corresponding Author: Abdolzahra Naami

E-mail: naamiabdol@scu.ac.ir

مقاله پژوهشی



رابطه رسالت فرزندپروری با بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی فرزندان با میانجی‌گری بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی مادران معلم جلال‌آباد افغانستان



حکیم خان حقیار^۱، عبدالزهره نعامی^{۲*}، یدالله زرگر^۳، کیومرث بشلیده^۴، سیداسماعیل هاشمی^۴

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
۲. استاد گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
۳. دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران.
۴. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.



DOI: 10.22034/JMPR.2022.15307

DOR: [20.1001.1.27173852.1401.17.67.16.8](https://doi.org/10.22034/JMPR.2022.15307)

URL: https://psychologvj.tabrizu.ac.ir/article_15307.html



مشخصات مقاله

چکیده

کلیدواژه‌ها:

رسالت فرزندپروری، بهزیستی روان‌شناختی، خودکارآمدی.

احساس رسالت مادر در تربیت فرزند باعث می‌شود تا مادران نسبت به فرزندان خود علاقه بیشتری نشان دهند و به گونه‌ی موثر با آن‌ها ارتباط برقرار کنند. پژوهش حاضر با هدف طراحی و آزمون الگویی از رابطه علی بین رسالت فرزندپروری با بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی فرزندان با میانجی‌گری بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی والدینی در معلمان زن کشور افغانستان انجام گردید. طرح پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. شرکت‌کنندگان پژوهش شامل ۲۵۰ معلم زن و ۲۵۰ نفر از فرزندان آنها با طیف سنی ۱۶ سال به بالا ساکن در شهر جلال‌آباد افغانستان بودند که با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. زنان شرکت‌کننده پرسشنامه احساس رسالت در تربیت فرزند (کولسن و همکاران، ۲۰۱۲)، پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی (ریف، ۱۹۸۹) و خودکارآمدی والدینی (دومکا و همکاران، ۱۹۹۶) را تکمیل کردند. فرزندان پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی (ریف، ۱۹۸۹) و پرسشنامه خودکارآمدی عمومی (شرر و همکاران، ۱۹۸۲) را تکمیل نمودند. به منظور ارزیابی الگوی پیشنهادی از الگویی معادلات ساختاری و آزمون اثرهای واسطه‌ای از روش بوت استرپ با استفاده از نرم افزار AMOS استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان دادند که الگوی طراحی شده از برازش نسبتاً مطلوبی برخوردار بود. علاوه بر آن، نتایج پژوهش نشان داد ضرایب مسیرهای مستقیم رسالت فرزند پروری با بهزیستی روان‌شناختی زنان ($\beta = .81$)، با خودکارآمدی والدینی ($\beta = .71$)، با بهزیستی روان‌شناختی فرزندان ($\beta = .68$) و با خودکارآمدی فرزندان ($\beta = .47$) که همه آنها در سطح ($p < 0/001$) معنادار بودند. همچنین رسالت فرزند پروری به صورت غیر مستقیم و از طریق بهزیستی روان‌شناختی زنان و خودکارآمدی والدینی بر بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی فرزندان اثر معنادار داشتند. پیشنهاد می‌شود برای افزایش بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی فرزندان، زنان با رسالت فرزند پروری خود آشنایی بیشتری پیدا کنند.

دریافت شده: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲

پذیرفته شده: ۱۴۰۱/۰۱/۱۰

منتشر شده: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

* نویسنده مسئول: عبدالزهره نعامی

رایانامه: naamiabdol@scu.ac.ir

مقدمه

مادر اولین کسی است که فرزند با او رابطه برقرار می‌کند، بنابراین این، مهمترین نقش را در پرورش وی بر عهده دارد. نظریه‌های مختلفی در مورد نقش مادران در اهتمام به فرزند پروری مطرح شده است. یکی از نظریه‌های اخیر که بر گرفته از روانشناسی مثبت‌گرایی است نظریه احساس رسالت در فرزندپروری^۱ است.

مفهوم رسالت در ابتدا در حیطه‌های شغلی مطرح شده و بعد از آن در حیطه‌ی فرزندپروری نیز وارد شده است. محققان در عبارت‌هایی از این قبیل مفهوم رسالت را بیان کردند: انجام یک کار برای نفس کار و متناسب با ارزش و معنای شخصی. اعتقاد به این که انجام یک کار می‌تواند به بهبود وضعیت جهان کمک کند (ورزسنیوسکی، روزین و بینت^۲، ۲۰۰۳). کار مبتنی بر علاقه و اشتیاق فردی و شخصی (دابرو^۳، ۲۰۰۶). کاری که منشاء آن یک احساس رسالت از یک منبع بالا (خدا، سرنوشت فامیل یا درک کردن نیازها اجتماعی) است (دافی و سدلاک^۴، ۲۰۰۷). کار به عنوان هدف زندگی کردن است (هارت و هارت^۵، ۲۰۱۸).

بر اساس دیدگاه هال و چندلر^۶ (۲۰۰۵)، احساس رسالت بیانگر داشتن حس عمیق هدفمندی در شغل و زندگی است. دوبرو و توستی-خاراس^۷ (۲۰۱۱) رسالت را به عنوان شور و اشتیاقی که ناشی از وجود حس معنی‌داری در زندگی ناشی می‌شود، تعریف کردند. تعریف دیگر که به وسیله دیک و دافی^۸ (۲۰۰۹) از احساس رسالت مطرح شده این است که منبع اساسی انگیزش رسالت در یک کار ناشی از یک احساس فراخواندگی تعالی یافته که فراتر از فرد و نیازهایش برای ایفای یک نقش معین در زندگی برای دستیابی به یک زندگی با معنا و هدفمند است. در تعریف اخیر سه حیطه‌ی مهم احساس رسالت در انجام یک کار مشخص شده است. نخست احساس فراخوانی ناشی از یک عامل برتر (این تجربه ناشی از یک عامل بیرونی است)، دوم دارای جهت‌گیری اجتماعی است (از قبیل یاری و کمک به دیگران) و سوم کار معنی‌دار (یافتن یک نقش هدفمند در زندگی).

اولین نکته‌ی مربوط به رسالت این است که این عامل ناشی از یک برانگیختگی بیرونی است. یک تجربه فردی است که فرد معتقد است توسط یک عامل بیرونی برای انجام یک فعالیت برگزیده شده است (بندرسون و تامپسون^۹، ۲۰۰۹). دومین نکته‌ی مربوط به رسالت، آن است که انجام آن فعالیت خاص باعث ایجاد حس معنی‌داری در زندگی می‌گردد (دافی و دیک، ۲۰۱۳). این موضوع تا حدود زیادی به دیدگاه ماکس وبر نزدیک است که مطرح می‌کند رسالت یعنی یک فرد برای انجام یک فعالیت زندگی کند. این موضوع نشان می‌دهد که در رسالت انگیزه‌های افراد، موضوعات اقتصادی و کسب موقعیت اجتماعی نیست. بلا، مادسن، سالیوان، سویدلر و تپتن^{۱۰}

(۱۹۸۵) مطرح می‌کنند که رسالت نوعی جهت‌گیری فردی است که در آن انجام یک فعالیت خاص هدف اساسی زندگی فرد محسوب می‌شود. ایروم، آبیید و توریس^{۱۱} (۲۰۲۰) نشان داده‌اند که رسالت یک محرک روانشناختی مهم در تعهد به یک موضوع محسوب می‌شود. افرادی که درگیر انجام یک فعالیتی هستند و در آن فعالیت احساس رسالت می‌کنند اغلب احساس خوشبختی بیشتری می‌کنند و نسبت به آن فعالیت تعهد و اشتیاق بیشتری دارند (دیک، کانینگ و مارش^{۱۲}، ۲۰۱۹). همچنین افرادی که احساس رسالت دارند شور و اشتیاق زیادی نسبت به کار خود دارند (دافی، بوت، الن، توری، و دیک^{۱۳}، ۲۰۱۲).

بر اساس نظریه‌ی رسالت، مفهومی تحت عنوان رسالت فرزند پروری در متون مربوط به روانشناسی مثبت توسط کولسن، اودیسی و ستایلز^{۱۴} (۲۰۱۲) مطرح شده است. بر اساس نظر کولسن و همکاران (۲۰۱۲)، رسالت فرزندپروری از سه مفهوم اصلی تشکیل شده است. مفهوم اول این است که فرد فرزندپروری را به عنوان هدف اصلی در زندگی خود می‌پندارد. در این حالت فرد فرزندپروری را به عنوان هسته اصلی تشکیل دهنده هویت خود می‌داند. مفهوم دوم هوشیاری و آگاهی مستمر نسبت به انجام رسالت فرزند پروری است. به بیان دیگر فرزندپروری به عنوان اولویت اصلی او در زندگی محسوب می‌شود. فرد تامین نیازهای فرزندان خود را نسبت به نیازهای خود در اولویت قرار می‌دهد، و تمام مشغله و دغدغه وی رسیدگی به فرزندان خود می‌باشد. مفهوم سوم اشتیاق نسبت به فرزند پروری است. در این حالت فرد از فرزندپروری لذت می‌برد و آن را فعالیتی خسته‌کننده و طاقت فرسا نمی‌بیند بلکه از بودن در کنار فرزندان خود لذت می‌برد.

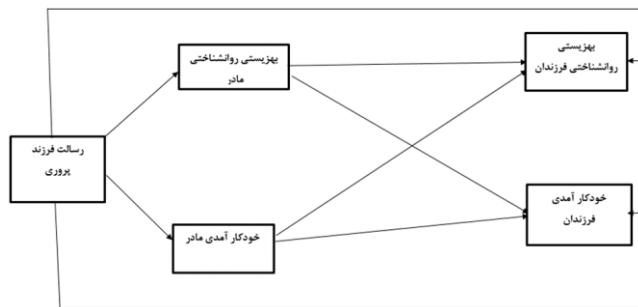
با توجه به جدید بودن مفهوم رسالت فرزند پروری، تحقیقات خیلی محدودی در مورد آن انجام شده است اما همین تحقیقات اندک نشان می‌دهند که رسالت فرزند پروری پیامدهای مثبتی در پی دارد. حس رسالت فرزندپروری باعث می‌شود تا مادران نسبت به فرزندان خود علاقه بیشتری نشان دهند و به گونه‌ی موثر با آنها ارتباط برقرار کنند. بر اساس مفهوم رسالت فرزند پروری می‌توان نقش و کنش عمیق‌تری برای فرزندپروری مادران در نظر گرفت (ورزسنیوسکی، مکولی، روزین و سکوارتر^{۱۵}، ۱۹۹۷). والدینی که تربیت فرزند را هدف نهایی در زندگی می‌دانند فرزندان‌شان از سطوح بهزیستی روانشناختی بالاتری برخوردارند (کولسن و همکاران، ۲۰۱۲).

بهزیستی روانشناختی مادر و فرزندان از متغیرهای مهم این الگو هستند که به احتمال زیاد با متغیر رسالت فرزند پروری مرتبط هستند. بهزیستی روانشناختی را می‌توان، احساس انسجام و پیوستگی در زندگی، تعادل عاطفی و رضایت کلی از زندگی، تعریف کرد. همچنین بهزیستی روانشناختی را

9. Bunderson & Thompson
10. Bellah, Madsen, Sullivan, Swidler & Tipton
11. Erum, Abid & Torres
12. Dik, Canning & Marsh
13. Duffy, Bott, Allan, Torrey & Dik
14. Coulson, Oades & Stoyles
15. Wrzesniewski, McCauley, Rozin, & Schwartz

- 1 Sense of calling in childrearing
2. Wrzesniewski, Rozin, & Bennett
3. Dobrow
4. Duffy & Sedlacek
5. Hart & Hart
6. Hall & Chandler
7. Dobrow & Tosti-Kharas
8. Dik & Duffy

بهبودی روانشناختی و خودکارآمدی فرزندان با تاکید بر نقش میانجی بهبودی روانشناختی و خودکارآمدی ارائه نشده است و در این زمینه خلأ پژوهشی وجود دارد. بنابر این هدف اصلی این تحقیق ارائه و بررسی الگویی از روابط ساختاری بین رسالت فرزندپروری با بهبودی روانشناختی و خودکارآمدی فرزندان با میانجی‌گری بهبودی روانشناختی و خودکارآمدی در معلمان زن کشور افغانستان می‌باشد. در نمودار ۱ الگوی مفهومی تحقیق ارائه شده است.



نمودار ۱: الگوی پیشنهادی در پژوهش حاضر

روش

با توجه به نحوه گردآوری داده‌ها پژوهش حاضر توصیفی و طرح جزء تحقیقات همبستگی از نوع مدلیابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام معلمان زن ۲۴۰۰ مشغول به آموزش در مدارس شهری جلال‌آباد و فرزندان آنها با سن ۱۶ سال به بالا در شهر جلال‌آباد در سال ۱۴۰۰ بود. در این پژوهش از ۱۰ مدرسه شهری دخترانه ۲۵ معلم زن و ۲۵ فرزند با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. در مجموع نمونه تحقیق شامل ۲۵۰ معلم زن و ۲۵۰ نفر از فرزندان شان می‌شود. این تعداد بر اساس نظر متخصصان مدلیابی معادلات ساختاری مانند، (هومن، ۱۳۸۷) نمونه‌هایی بیش از ۲۰۰ نفر برای مدلیابی معادلات ساختاری پیشنهاد کرده‌اند. قبل از جمع‌آوری داده‌ها، مجوزهای لازم از اداره آموزش و پرورش اخذ شد. با مراجعه به هر مدرسه، اهداف تحقیق را برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد و به آنها اطمینان داده شد که داده‌های جمع‌آوری‌شده محرمانه خواهد ماند و هر زمان که بخواهند می‌توانند از مطالعه خارج شوند. پرسشنامه‌ها را بین معلمان زن توزیع شد و به طور متوسط در ۳۰ دقیقه آنها را تکمیل کردند. پس از آن، پرسشنامه مربوط به فرزندان‌شان به آنها داده شد تا توسط فرزندان‌شان در منزل تکمیل شود. برای تحلیل داده‌ها از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و برای بررسی اثرات غیر مستقیم از روش بوت استرپ با نرم افزار SPSS و Amos ویرایست ۲۱ استفاده شده است.

می‌توان واکنش‌های عاطفی و شناختی به ادراک ویژگی‌ها و توانمندی‌های شخصی، تعامل کارآمد و تاثیر گذار با جهان، داشتن رابطه مطلوب با جمع و اجتماع و پیشرفت کردن در طول زمان بیان کرد. این حالت می‌تواند مؤلفه‌هایی مانند رضایت از زندگی، انرژی و اخلاق خوب را نیز در بر بگیرد (دیگرسون^۱، ۲۰۱۸). یکی از تعریف‌های این مفهوم را ریف (1989) ارائه کرده است، او برای بهبودی روانشناختی ۶ مؤلفه را در نظر گرفته است: داشتن نگرش مثبت نسبت به خود (پذیرش خود)، برقراری روابط گرم و صمیمی با دیگران و توانایی همدلی (رابطه مثبت با دیگران)، احساس استقلال و توانایی ایستادگی در مقابل فشارهای اجتماعی (خود مختاری)، داشتن هدف در زندگی و معنا دادن به آن (زندگی هدفمند)، احساس رشد مستمر (رشد شخصی) و توانایی فرد در مدیریت محیط (تسلط بر محیط). کولسن^۲ (۲۰۱۱) نشان داد که احساس رسالت در تربیت فرزندان با بهبودی و رضایت والدین ارتباط دارد. دافی و همکاران (۲۰۱۲) نیز نشان دادند کسانی که از رسالت فرزند پروری بالاتری برخوردارند، سطوح بهبودی روانشناختی بالایی نیز در زندگی دارند. بهبودی روانشناختی والدین و روابط بین والد و فرزند در سازگاری اجتماعی نوجوانان نقش مهم دارند (نوروزی و اسدی مجره، ۱۹۷). بهبودی والدین بر بهبودی فرزندان تاثیرگذار است (نیولند^۳، ۲۰۱۵). والدین یکی از مهم‌ترین کسانی تاثیرگذار بر بهبودی روان شناختی و خودکارآمدی کودکان و نوجوانان هستند (جورگوئیزر، برناراز، بولی و گاراگوردوبیل^۴، ۲۰۱۸؛ گروولیک^۵، ۲۰۰۹). یافته‌های سرخونی، سعادت زاده و زینلی پور (۱۳۹۳) نشان داد که بین خودکارآمدی والدین و بهبودی روانشناختی فرزندان رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

متغیرهای مهم دیگری که در الگو وجود دارند، خودکارآمدی والدینی و فرزندان است. خودکارآمدی والدینی اشاره به باورها یا ارزیابی‌های یک والد از توانایی خود جهت نظم‌دهی و اجرای مجموعه‌ای از تکالیف مربوط به والدگری دارد (مانتیگنی و لاچاریت، ۲۰۰۵). خودکارآمدی فرزندان به عنوان ادراک فرزند از قابلیت‌ها خود برای مواجهه و انجام موفقیت آمیز تکلیف خاص شده است بندورا (۱۹۹۷). مادرانی که احساس خودکارآمدی می‌کنند، روابطی گرم و منظم با کودکان خود دارند، در نتیجه خودکارآمدی و بهبودی روانشناختی فرزندان را پرورش می‌دهند (مانتیگنی و لاچاریت^۶، ۲۰۰۵). افراد با احساس رسالت بیشتر، خودکارآمدی مثبت در کار خود را تجربه می‌کنند و در نتیجه از زندگی راضی می‌شوند (چوی، چو، جونگ و سون^۷، ۲۰۱۸). پارک، سون وها^۸ (۲۰۱۶) دریافته‌اند که حس رسالت باعث افزایش سطح خودکارآمدی افراد می‌شوند که واسطه‌ی رابطه بین رسالت و عملکرد آنها است. والدین با میانجیگری خودکارآمدی می‌توانند پیشرفت و سطح تحصیلی فرزندان را بهبود بخشند (مهد و فولادچنگ).

با توجه به آنچه تا به حال گفته شد، بررسی ادبیات پژوهش در حیطه رسالت نشان می‌دهد که تاکنون الگوی ساختاری روابط بین رسالت مادر بر

5. Grolnick
6. Montigny & Lacharite
7. Choi, Cho, Jung, Sohn
8 Park, Sohn & Ha

1. Dickerson
2. Coulson
3. Newland
4. Jaureguizar, Bernaras, Bully, Garaigordobil

پرسشنامه احساس رسالت در تربیت کودک: در پژوهش حاضر جهت سنجش رسالت فرزندپروری از پرسشنامه‌ی احساس رسالت در تربیت کودک که توسط کولسن و همکاران (۲۰۱۲) طراحی شده، استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۱۱ گویه و سه بعد رسالت فرزند پرورری یعنی شامل هدفمندی در زندگی ۶ گویه، آگاهی ۳ گویه و اشتیاق ۲ گویه را در یک طیف لیکرت ۴ درجه ای (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) می‌سنجد. پایایی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۸۱ گزارش شده است. ضرایب هم‌هنگی درونی پرسشنامه به طور کلی ۰/۹۰ گزارش شده است (کولسن و همکاران، ۲۰۱۲). در پژوهش حاضر ضریب پایایی این پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۷ به دست آمد. برای بررسی روایی پرسش‌نامه رسالت فرزندپروری از روش تحلیل عوامل تأییدی استفاده شده. شاخص‌های حاصل از تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم‌افزار

$$IFI = ۱/۰۱۲) AMOS-21$$

$$۱/۰۱۵, RMSEA = ۰/۰۰۱, CFI = ۱$$

بیانگر روایی مطلوب این پرسش‌نامه بود.

پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی: در پژوهش حاضر جهت سنجش بهزیستی روان‌شناختی مادران و فرزندان از پرسشنامه‌ی بهزیستی روان‌شناختی ریف (۱۹۸۹) فرم کوتاه ۱۸ گویه‌ای استفاده شد که شامل شش بعد: خود پیروی، سلطه بر محیط، رشد شخصی، روابط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی و پذیرش خود است. هر بعد سه سوال دارد که نمرات این ۶ عامل به عنوان نمره‌ی کلی بهزیستی روان‌شناختی محاسبه می‌شوند. پاسخ به هر یک از ۱۸ گویه بر روی یک طیف ۶ درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافق (۶) مشخص می‌شوند. آلفای کرونباخ به دست آمده در مطالعه ریف برای خود پیروی (۰/۸۶)، سلطه بر محیط (۰/۹۰)، رشد شخصی (۰/۸۷)، روابط مثبت با دیگران (۰/۹۱)، هدفمندی در زندگی (۰/۹۰) و پذیرش خود (۰/۹۳) گزارش شده است. این مقیاس در ابتدا بر روی یک نمونه ۳۲۱ نفری انجام شد و ضریب هم‌هنگی بین مقیاس‌ها ۰/۸۶ تا ۰/۹۳ و ضریب پایایی بازآزمایی بعد از شش هفته بر روی نمونه ۱۱۷ نفری بین ۰/۸۱ تا ۰/۸۶ گزارش شده است. همبستگی فرم کوتاه پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی ریف با پرسشنامه اصلی از ۰/۷۰ تا ۰/۸۹ گزارش شده است (ریف و سینگر، ۲۰۰۳). در ایران بیانی، کوچکی و بیانی (۱۳۸۶) پایایی این پرسشنامه را آزمون کرد و همسانی درونی رشد شخصی را برابر با ۰/۷۸، هدفمندی در زندگی ۰/۷۰، پذیرش خود ۰/۷۱ و خودمختاری ۰/۸۲ به دست آمد. در پژوهش حاضر ضریب پایایی کل این پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ برابر برای مادران با ۰/۹۳ و برای فرزندان ۰/۹۳ محاسبه شده است. روایی پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی برای مادران در پژوهش حاضر با روش تحلیل عاملی تأییدی نشان می‌دهد که پرسشنامه از روایی مطلوبی برخوردار است (IFI = ۰/۹۶, CFI = ۰/۹۶, RMSEA = ۰/۰۵).

(NFI= ۰/۹۲, TLI= ۰/۹۲). علاوه بر آن شاخص‌های برازندگی تحلیل عوامل اعتبار تأییدی گویای آن است که این پرسشنامه برای فرزندان نیز از روایی مناسبی برخوردار است

(NFI= ۰/۸۹, TLI= ۰/۹۲, RMSEA = ۰/۰۷, CFI = ۰/۹۳, IFI = ۰/۹۲).
پرسشنامه خودکارآمدی والدینی: در پژوهش حاضر از پرسشنامه‌ی خودکارآمدی والدینی که توسط دومکا و همکاران (۱۹۹۶) تهیه شده برای ارزیابی خودکارآمدی والدینی استفاده شد. این پرسشنامه خود-کارآمدی مادر را هنگام مواجهه با موقعیت‌های کودک، توانایی حل تعارضات والد - کودک و تلاش و مقاومت‌شان را در والدگری ارزیابی می‌کند. پرسشنامه دارای ۱۰ گویه و با مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای ۱ (ندرت) تا ۷ (همیشه) نمره گذاری می‌شود. دومکا و همکاران (۱۹۹۶) پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۰ گزارش نموده اند. در پژوهش حاضر ضریب پایایی این پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۳ محاسبه شده است. برای بررسی روایی این پرسش‌نامه در پژوهش حاضر از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. شاخص‌های برازش نشان می‌دهند که پرسشنامه از روایی مطلوبی برخوردار است

$$(NFI= ۰/۹۸, TLI= ۱/۰۰, RMSEA = ۰/۰۰۰, CFI = ۱/۰۰, IFI = ۱/۰۰)$$

پرسشنامه خودکارآمدی عمومی: در پژوهش حاضر برای سنجش خودکارآمدی فرزندان از پرسشنامه خودکارآمدی عمومی که توسط شرر و همکاران (۱۹۸۲) تهیه شده، استفاده گردید. این پرسشنامه دارای ۱۷ گویه است که بر اساس مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق نمره گذاری می‌شود. حداکثر نمره ۸۵ و حد اقل نمره ۱۷ است. شرر و همکاران (۱۹۸۲) از طریق آلفای کرونباخ پایایی این پرسشنامه را ۰/۷۶ ذکر گزارش نموده اند. در پژوهش حاضر ضریب پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به دست آمد. روایی پرسشنامه در پژوهش حاضر با روش تحلیل عاملی تأییدی با گویایی اعتبار مطلوب آن بود

$$(NFI = ۰/۹۹, TLI = ۰/۹۹, RMSEA = ۰/۰۱۹, CFI = ۰/۹۹, IFI = ۰/۹۹)$$

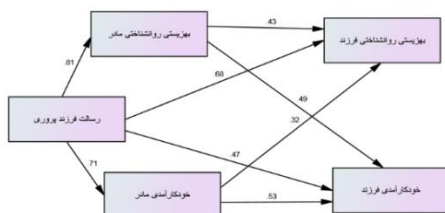
نتایج

جدول ۱، میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی میان متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد. همانگونه که در جدول مشاهده می‌شود بین رسالت فرزندپروری با متغیرهای میانجی یعنی بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی مادران و نیز بین رسالت فرزندپروری با بهزیستی و خودکارآمدی فرزندان و نیز بین خودکارآمدی و بهزیستی روان‌شناختی مادران و خودکارآمدی و بهزیستی فرزندان همبستگی مثبت در سطح $p < ۰/۰۱$ وجود دارد.

جدول ۳: ضرایب مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل اصلاح شده

Sig	CR	β	مسیر
۰/۰۰۱	۵/۸۸۸	۰/۸۱	رسالت فرزندپروری به بهزیستی روان‌شناختی مادر
۰/۰۰۱	۵/۸۱۸	۰/۷۱	رسالت فرزندپروری به خودکارآمدی مادر
۰/۰۰۱	۴/۴۳۴	۰/۶۸	رسالت فرزندپروری به بهزیستی روان‌شناختی فرزند
۰/۰۰۱	۳/۳۵۴	۰/۴۷	رسالت فرزندپروری به خودکارآمدی فرزند
۰/۰۰۱	۴/۹۲۰	۰/۴۳۶	بهزیستی روان‌شناختی مادر به بهزیستی روان‌شناختی فرزند
۰/۰۰۱	۴/۳۷۵	۰/۴۹۸	بهزیستی روان‌شناختی مادربه خودکارآمدی فرزند
۰/۰۰۱	۴/۴۶۶	۰/۳۲۴	خودکارآمدی مادربه بهزیستی روان‌شناختی فرزند
۰/۰۰۱	۵/۵۱۹	۰/۵۳۰	خودکارآمدی مادر به خودکارآمدی فرزند

جدول ۳ پارامترهای مربوط به اثرات مستقیم متغیرها بر یکدیگر را در مدل اصلاح شده نشان می‌دهد. همانطور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود مسیرهای رسالت فرزندپروری به بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی مادران و فرزندان معنادار بودند. علاوه بر آن مسیرهای بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی مادران به بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی فرزندان نیز معنادار بودند.



نمودار ۲: الگوی اصلاح شده و ضرایب مسیر

یافته‌های مربوط به روابط غیرمستقیم (میانجی)

جهت تعیین معنی داری مسیرهای غیرمستقیم از روش بوت استرپ استفاده شده است. در جدول ۴ نتایج حاصل از روش بوت استرپ ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی بین متغیرها

متغیر	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵
رسالت فرزند پروری	۴۰/۳۴	۲/۶۴	۱				
بهبودی روان‌شناختی مادر	۹۲/۹۸	۱۰/۰۲	۰/۵۹۷**	۱			
خودکارآمدی مادر	۶۰/۳۸	۶/۰۷	۰/۵۵۱**	۰/۵۷۳**	۱		
بهبودی روان‌شناختی فرزند	۹۴/۳۵	۸/۹۵	۰/۶۸۸**	۰/۷۸۳**	۰/۶۹۶**	۱	
خودکارآمدی فرزند	۷۲/۰۲	۶/۶۶	۰/۵۹۵**	۰/۶۹۵**	۰/۷۱۷**	۰/۸۰۷**	۱

** $p < 0.01$

برای ارزیابی مدل پیشنهادی از مدلیابی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS ویراست ۲۱ و AMOS ویراست ۲۱ صورت گرفت. برای تعیین برازش الگوی پیشنهادی با داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی مقدار مجذور کای (χ^2)، شاخص هنجار شده مجذور کای (χ^2/df)، شاخص برازندگی افزایشی (IFI)، شاخص توکر-لوپس (TLI)، و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA) مورد استفاده قرار گرفتند.

جدول ۲: شاخص‌های برازندگی الگوی کلی پیشنهادی و الگوی اصلاح شده

شاخص‌های برازش	RMSEA	TLI	IFI	CFI	χ^2/df	Df	χ^2
مدل پیشنهادی	۰/۰۵۷	۰/۸۲	۰/۸۳	۰/۸۲	۱/۸۰۰	۲۶۱۹	۴۷۱۴/۲۵۰
مدل اصلاح شده	۰/۰۳۳	۰/۹۳۲	۰/۹۳۵	۰/۹۳۵	۱/۲۷۳	۲۶۰۹	۳۳۲۱/۳۹۲

در جدول ۲ شاخص‌های برازندگی الگوی اولیه و اصلاح شده ارائه شده است. بر اساس نتایج مندرج در جدول ۲، شاخص برازندگی تطبیقی ($CFI=0.82$)، شاخص برازندگی افزایشی ($IFI=0.83$)، شاخص توکر-لوپس ($TLI=0.82$) نشان می‌دهند که الگوی پیشنهادی نیاز به اصلاح دارد. طبق پیشنهاد ارائه شده توسط برنامه AMOS-۲۱، بین‌گویه‌های ۶، ۹ و ۱۱ و ۱۳ متغیر بهزیستی روان‌شناختی مادر که ضرایب همبستگی بین آن‌ها بالا بودند کوواریانس دوطرفه رسم شد. بعد از اعمال تغییرات، تحلیل مجددی بر روی داده‌ها صورت گرفت. نتایج اصلاح شده نشان دادند که شاخص‌های برازندگی به وضعیت کاملاً مطلوبی رسیدند.

جدول ۴: نتایج بوت استرپ مربوط به مسیرهای غیرمستقیم

شاخص‌های اندازه‌گیری					
مسیر	اثر استاندارد	خطای استاندارد	مقدار بالا	مقدار پایین	سطح معنی‌داری
رسالت مادر ← بهزیستی روان‌شناختی مادر ← بهزیستی روان‌شناختی فرزند	۰/۳۲۹	۰/۰۵۹	۰/۴۱۸	۰/۲۲۳	۰/۰۰۴
رسالت مادر ← بهزیستی روان‌شناختی مادر ← خودکارآمدی فرزند	۰/۳۷۵	۰/۰۷۶	۰/۴۸۷	۰/۲۴۰	۰/۰۰۴
رسالت مادر ← خودکارآمدی مادر ← بهزیستی روان‌شناختی فرزند	۰/۲۱۰	۰/۰۴۴	۰/۲۷۳	۰/۱۳۱	۰/۰۰۴
رسالت مادر ← خودکارآمدی مادر ← خودکارآمدی فرزند	۰/۳۴۵	۰/۰۴۸	۰/۴۳۲	۰/۲۶۶	۰/۰۰۴

با توجه به جدول ۴، تمام مسیرهای غیرمستقیم چون حد پایین و بالای فاصله اطمینان پایین صفر را در برنگرفتند، بنابراین می‌توان گفت که همه مسیرهای غیر مستقیم معنی‌دار شدند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که میانجی گره‌های انتخاب شده توانستند به خوبی رابطه بین متغیرهای پیشابند و پیامد را تبیین کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی و آزمون الگویی از رابطه علی بین رسالت فرزندپروری با بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی فرزندان با میانجی‌گری بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی والدینی در معلمان زن کشور افغانستان انجام گردید. یافته‌های پژوهش حاضر نشان دادند که الگوی طراحی شده از برازش مناسبی برخوردار بود. علاوه بر آن، تمام مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم رسالت فرزندپروری به بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی فرزندان مثبت و معنادار بود.

این یافته‌ها به این معنا است که رسالت فرزندپروری می‌تواند بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی والدین را افزایش دهد. علاوه بر آن رسالت فرزند پروری می‌تواند بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی فرزندان را به صورت مستقیم افزایش دهد. البته این فزاینده‌گی به صورت غیر مستقیم و با میانجی‌گری افزایش بهزیستی و خودکارآمدی والدین نیز انجام گرفت.

وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین رسالت فرزندپروری با بهزیستی روان‌شناختی و کارآمدی مادر با یافته‌های کولسن (۲۰۱۱) دافی و همکاران (۲۰۱۲) همسواست. کولسن و همکاران (۲۰۱۲) یک رابطه مثبت

و قوی بین رسالت فرزندپروری و رضایت از والد بودن، لذت از والد بودن و احساس مهم بودن به واسطه داشتن فرزند است. هم چنین کولسن و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند که بین رسالت فرزندپروری و احساس اجبار در فرزند آوری و تربیت فرزند رابطه منفی وجود دارد.

ترتگلد (۱۹۹۹) نشان داد که احساس رسالت میزان استرس و افسردگی را کاهش می‌دهد. آتس و همکاران (۲۰۰۵) نشان دادند که رسالت فرزند پروری می‌تواند رابطه بین استرس‌ها و مشکلات روز مره با تعارض کار-خانواده در مادران شاغل را کاهش دهد. یکی از عوامل مهمی که می‌تواند بهزیستی روان‌شناختی مادران با احساس رسالت شغلی را افزایش دهد این است که این مادران فرزند پروری را کاری مثبت، مفید و ارزشمند ارزیابی می‌کنند. در این حالت فرزند پروری را نه تنها عامل فرسودگی جسمانی و روحی و روانی خود نمی‌دانند، بلکه انجام این کار را به عنوان ادای تکلیف و نوعی موفقیت در زندگی می‌پندارند. این نگرش مثبت نسبت به فرزند پروری می‌تواند باعث ارزیابی مثبتی از خود گردد که بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی را ارتقاء می‌بخشد. بنابر این می‌توان گفت که گاهی مادران با احساس رسالت فرزند پروری چون فرزند پروری را به عنوان عامل اصلی هدفمندی در زندگی خود می‌دانند با انجام آن بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی والدینی آنها افزایش می‌یابد، و گاهی چون فرزند پروری را به عنوان یک تکلیف متعالی، در نظر می‌گیرند، بنابراین این کار مایه خشنودی و رضایت درونی آنها می‌گردد.

علاوه بر آن، نتایج این تحقیق نشان دادند که مسیرهای رسالت فرزند پروری به صورت مستقیم و از طریق بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی والدینی بر بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی فرزندان اثر غیر مستقیم داشت. این یافته‌ها با تحقیقات نیولند (۲۰۱۵)، گاراگوردوبیل (۲۰۱۸) و کولسن اودیس و ستایلز (۲۰۱۲) همسو هستند. این تحقیقات نشان دادند که رسالت شغلی به صورت مستقیم و نیز با میانجی‌گری بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی مادری منجر به افزایش بهزیستی و خودکارآمدی فرزندان می‌گردد. یافته‌های تحقیقاتی چاو یون، (۲۰۱۶)؛ جیونگ و لی (۲۰۱۸)؛ پارک و همکاران، (۲۰۱۶) نیز با یافته تحقیق حاضر همسو هستند. می‌توان گفت که مادرانی که در تربیت فرزندان‌شان احساس رسالت می‌کنند، در مسیر زندگی معنی و هدف مشخصی دارند که این امر اثر مثبت بر خودکارآمدی و بهزیستی روان‌شناختی فرزندان آنها می‌گذارد (مانتیگنی و لاچاریت (۲۰۰۵).

بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی فرزندان تا حدود زیادی متأثر از شیوه فرزند پروری می‌باشد. تحقیقات بایرمنند نشان می‌دهند که مهمترین شاخصی که تعیین کننده بهزیستی روان‌شناختی فرزندان است، رسالت فرزند پروری است (فرو و همکاران، ۲۰۱۰). دلیل این امر این است که مادرانی که رسالت فرزند پروری بالاتری دارند پرورش فرزند را به عنوان وظیفه و تکلیف اصلی خود در زندگی می‌دانند و آن را به عنوان عامل اصلی هویت وجودی خودشان می‌پندارند. این امر باعث می‌شود تا مادران نسبت به نظام فرزند پروری و از جمله به بهزیستی روان‌شناختی و خودکارآمدی فرزندان حساسیت بیشتری داشته باشند. هر چه والدین، فرزند پروری را به عنوان

- Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*. New York: W.H. Freeman & Company.
- Bellah, R. N., Madsen, R., Sullivan, M., Swidler, A., & Tipton, S. M. (1985). *Habits of the heart: Individualism and commitment in American life*. Berkeley: University of California Press.
- Bunderson, J. S., & Thompson, J. A. (2009). The call of the wild: Zookeepers, callings, and the double-edged sword of deeply meaningful work. *Administrative Science Quarterly*, 54(1), 32-57.
- Cha, J., & Yoon, G. (2016). The effects of a sense of calling on life satisfaction of early childhood pre-service teachers: The mediating effect of career decision-making self-efficacy. *The Journal of Eco Early Childhood Education & Care*, 15, 93-112.
- Coulson, J. C. (2011). Parents' subjective sense of calling in childrearing. Ph.D. Thesis, University of Wollongong, Wollongong.
- Coulson, J. C., Oades, L. G., & Stoyles, G. J. (2012). Parents' subjective sense of calling in childrearing: Measurement, development and initial findings. *The Journal of Positive Psychology*, 7(2), 83-94.
- Montigny, F., & Lacharité, C. (2005). Perceived parental efficacy: Concept analysis. *Journal of Advanced Nursing*, 49(4), 387-396.
- Dickerson, S. W. (2018). *Psychological Well-Being and Health Gains in the Developing World: Evidence From Peru and Malawi*. Ph.D. Thesis, University of Maryland, Maryland.
- Dik, B. J., & Duffy, R. D. (2009). Calling and vocation at work: Definitions and prospects for research and practice. *The Counseling Psychologist*, 37(3), 424-450.
- Dik, B. J., Canning, B. A., & Marsh, D. R. (2019). A cultural lens approach to promoting work as a calling. In *Positive psychological intervention design and protocols for multicultural contexts* (pp. 57-80). Cham: Springer.
- Dobrow, S. R. (2006). *Having a calling: A longitudinal study of young musicians*. Harvard University. Ph.D. Thesis, Harvard University, Mass.
- Dobrow, S. R., & Tosti-Kharas, J. (2011). Calling: The development of a scale measure. *Personnel Psychology*, 64(4), 1001-1049.
- Duffy, R. D., & Dik, B. J. (2013). Research on calling: What have we learned and where are we going?. *Journal of Vocational Behavior*, 83(3), 428-436.
- Duffy, R. D., & Sedlacek, W. E. (2007). The presence of and search for a calling: Connections to career development. *Journal of Vocational Behavior*, 70(3), 590-601.
- Duffy, R. D., Bott, E. M., Allan, B. A., Torrey, C. L., & Dik, B. J. (2012). Perceiving a calling, living a calling, and job satisfaction: Testing a moderated, multiple mediator model. *Journal of Counseling Psychology*, 59(1), 50-59.
- Dumka, L. E., Stoerzinger, H. D., Jackson, K. M., & Roosa, M. W. (1996). Examination of the cross-cultural and cross-language equivalence of the parenting self-agency measure. *Family Relations*, 45(2), 216-222.
- Erum, H., Abid, G., & Contreras, F. (2020). The calling of employees and work engagement: the role of flourishing at work. *Business, Management and Economics Engineering*, 18(1), 14-32.

یک رسالت تعالی یافته برای خود در نظر بگیرند میزان شادکامی فرزندان شان در عرصه های مختلف شغلی، فردی و اجتماعی نیز افزایش می یابد. رسالت فرزند پروری می تواند کیفیت تعامل بین والدین و فرزندان را بهبود ببخشد که این امر بهزیستی و خود کارآمدی فرزندان را ارتقاء می بخشد. لایمبومرسکی (۲۰۰۸) نشان داد که فرزندان پدر و مادران با جهت گیری رسالت فرزند پروری نسبت به دنیای اطراف خود اشتیاق بیشتری نشان می دهند و با محیط و مردم پیرامون خود ارتباط عمیق و مثبتی دارند.

تحقیقات کولسن (۲۰۱۱)؛ کولسن و همکاران (۲۰۱۲) نشان می دهند که بین رسالت فرزند پروری و سبک مطلوب و ایده آل نظریه بامریند همبستگی مثبتی وجود دارد. به این معنا که والدینی که احساس رسالت فرزند پروری می کنند، از روش های فرزند پروری مطلوب مانند داشتن روابط گرم و صمیمی با فرزندان، در دسترس بودن والدین، درک فرزندان، تعیین حد و مرزها برای رفتارها، داشتن انتظارات منطقی و متناسب با سن از فرزندان، و واگذاری برخی مسؤلیت ها به آنها. انجام چنین تعاملی با فرزندان می تواند زمینه را برای بهزیستی روانشناختی و خودکارآمدی آنان فراهم آورد.

مانند هر تحقیقی این تحقیق نیز با محدودیت هایی مواجه است. اول این که با توجه به این که این پژوهش در یک شهر انجام گردیده، لذا در تعمیم نتایج آن به سایر شهر های دیگر باید جانب احتیاط را رعایت کرد. دوم، از آنجایی که در این پژوهش ابزار مورد استفاده پرسشنامه بوده است، محدودیت های مربوط به این ابزار را باید مد نظر قرار داد، از جمله این که علی رغم تاکیدها و توضیحات لازم از سوی محقق، ممکن است برخی شرکت کنندگان از ارائه پاسخ واقعی خودداری کرده، پاسخی سطحی و بدون دقت لازم داده باشند و یا مطلوبی اجتماعی خود را افزایش داده اند. سوم این که چون طرح پژوهش مقطعی است در تفسیر یافته ها بر اساس روابط علت و معلولی باید جانب احتیاط را رعایت کرد.

با توجه به نتایج به دست آمده، پیشنهاد می شود که مادران در تربیت فرزندان احساس رسالت را تجربه کنند تا بهزیستی روانشناختی و خودکارآمدی آنها و فرزندان شان افزایش پیدا کنند.

منابع

- بیانی، ع. ا.، کاوچکی، ع. م.، گلودرزی، ح. (۱۳۸۶). اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زنادگی. *فصلنامه روانشناسان ایرانی*. ۳(۱۱)، ۲۶۵-۲۵۹.
- سرخونی، ط. ا.، سعادت زاده، م. و زینلی پور، ح. (۱۳۹۳). نقش خودکارآمدی و مهارتهای زندگی در پیش بینی بهزیستی روانشناختی دانش آموزان مقطع متوسطه استان هرمزگان. *فصلنامه خانواده و پژوهش* شماره ۱.
- مهبذ، م. و فولادچنگ، م. (۱۳۹۱). نقش دل بستگی به والدین در پیشرفت تحصیلی با واسطهگری خودکارآمدی: *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، سال 6، شماره ۱ (۲۱)، ۱۰۲-۱۱۸.
- نوروزی، و. و اسدی مجره، س. (۱۳۹۷). نقش بهزیستی روانشناختی والدین و تعاملات والد فرزند در تبیین سازگاری اجتماعی دانش آموزان نوجوان. *دوفصلنامه روانشناسی معاصر*، ۱۳ (۱۳)، ۱۴۸-۱۴۰.
- هومن، ح. ع. (۱۳۸۷). *مدلیابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل (با اصلاحات)*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتاب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

- Froh, J. J., Kashdan, T. B., Yurkewicz, C., Fan, J., Allen, J., & Glowacki, J. (2010). The benefits of passion and absorption in activities: Engaged living in adolescents and its role in psychological well-being. *The Journal of Positive Psychology*, 5(4), 311-332.
- Grolnick, W. S. (2009). The role of parents in facilitating autonomous self-regulation for education. *Theory and Research in Education*, 7(2), 164-173.
- Hall, D. T., & Chandler, D. E. (2005). Psychological success: When the career is a calling. *Journal of Organizational Behavior: The International Journal of Industrial, Occupational and Organizational Psychology and Behavior*, 26(2), 155-176.
- Hart, R., & Hart, D. (2018). *Conceptualizing callings through a values-based framework: Classic, modern and neoclassic callings unpacked*. European Network for Positive Psychology, Budapest, June 2018.
- Jaureguizar, J., Bernaras, E., Bully, P., & Garaigordobil, M. (2018). *Perceived parenting and adolescents' adjustment*. *Psicologia: Reflexao e Critica*.
- Jung, H. K., & Lee, J. Y. (2018). Relationship between Teacher's Calling Spirit, Self-Efficacy, Job Commitment, and Life Satisfaction. *Journal of research in education*, 67, 279-196.
- Lyubomirsky, S. (2008). *The how of happiness: A scientific approach to getting the life you want*. New York: Penguin Press
- Newland, L. A. (2015). Family well-being, parenting, and child well-being: Pathways to healthy adjustment. *Clinical Psychologist*, 19(1), 3-14.
- Oates, K. L., Lewis Hall, M. E., & Anderson, T. L. (2005). Calling and conflict: A qualitative exploration of interrole conflict and the sanctification of work in Christian mothers in academia. *Journal of Psychology and Theology*, 33(3), 210-223.
- Park, J., Sohn, Y. W., & Ha, Y. J. (2016). South Korean salespersons' calling, job performance, and organizational citizenship behavior: The mediating role of occupational self-efficacy. *Journal of Career Assessment*, 24(3), 415-428.
- Ryff, C. D. (1989). Happiness is everything, or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57(6), 1069-1081.
- Ryff, C. D., & Singer, B. (2003). Ironies of the human condition: Well-being and health on the way to mortality. In L. G. Aspinwall & U. M. Staudinger (Eds.), *A psychology of human strengths: Fundamental questions and future directions for a positive psychology* (p. 271-287). American Psychological Association.
- Sherer, M., Maddux, J. E., Mercandante, B., Prentice-Dunn, S., Jacobs, B., & Rogers, R. W. (1982). The Self-Efficacy Scale: Construction and validation. *Psychological Reports*, 51(2), 663-671.
- Treadgold, R. (1999). Transcendent vocations: Their relationship to stress, depression, and clarity of self-concept. *Journal of Humanistic Psychology*, 39(1), 81-105.
- Wrzesniewski, A., McCauley, C., Rozin, P., & Schwartz, B. (1997). Jobs, careers, and callings: People's relations to their work. *Journal of Research in Personality*, 31(1), 21-33.
- Wrzesniewski, A., Rozin, P., & Bennett, G. (2003). Working, playing, and eating: Making the most of most moments. In C. L. Keyes & J. Haidt (Eds.), *Flourishing: Positive psychology and the life well-lived* (pp. 185-204). Washington DC: American Psychological Association.